



دوماهنامه علمی-پژوهشی

۹د، ش ۲ (پیاپی ۴۴)، خرداد و تیر ۱۳۹۷، صص ۳۲۷-۳۵۰

بررسی چگونگی ساخت و تعامل استعاره‌های گفتمان‌های قدرت و پادقدرت در روزنامه‌های ایران بر اساس مدل هارت و لوکس (۲۰۰۷) و چارتریس بلک (۲۰۰۴)

سیده طاهره خادم^۱، فرزانه سجودی^۲، فردوس آقاگل‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

۳. استاد زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت: ۹۶/۱/۱۶

پذیرش: ۹۶/۳/۱۶

چکیده

گفتمان‌ها همواره در تلاشند با کنترل ذهن مخاطب به گفتمان قدرت تبدیل شوند. مقاله حاضر با استخراج و بررسی توصیفی-تحلیلی استعاره‌های ۶۰۰ مقاله سیاسی و اجتماعی برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در دو دوره پادقدرت و قدرت به روش پیکره‌ای و با رویکردی شناختی-انتقادی، در دو مدل هارت و لوکس (۲۰۰۷) و چارتریس بلک (۲۰۰۴) نحوه به‌کارگیری استعاره‌های قدرت، پادقدرت و تعاملاتشان را بررسی می‌کند.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد گفتمان‌ها با استفاده از رسانه در منابع فردی و اجتماعی ساخت استعاره دست می‌برند. با انتخاب استعاره‌ها و شکل‌دهی مفاهیم ذهنی که منطبق با گفتمان گروهشان است، گستره شناختی تجربی و حتی ایدئولوژی و فرهنگ افراد را دچار جرح و تعدیل و معنای مورد نظر خود را ایجاد می‌کنند. سپس، با به‌کارگیری ایدئولوژی، فرهنگ و تاریخ دست به انتخاب و یا ساخت استعاره‌های جدیدتر می‌زنند. به این ترتیب، به گفتمان خود مشروعیت می‌بخشند و از گفتمان رقیب مشروعیت‌زدایی می‌کنند و فرایند متقاعدسازی اتفاق می‌افتد. در صورتی که گفتمانی مشروعیت بهتری داشته باشد، گفتمان پادقدرت استعاره‌های موفق آن را مصادره به مطلوب می‌کند. طبق یافته‌های پژوهش طرح‌واره‌های استعاری دو جناح مطرح، از مفاهیم واحدی مانند دولت، انتخابات، قدرت و ... بسیار متفاوت است و در واقع به شدت همدیگر را تضعیف می‌کنند تا بتوانند از گفتمان رقیب مشروعیت‌زدایی کنند و به گفتمان خود مشروعیت بیشتری ببخشند.

واژه‌های کلیدی: استعاره، گفتمان قدرت، پادقدرت، رسانه، مشروعیت.

۱. مقدمه

گفتمان‌ها برای کسب قدرت و مشروعیت و حفظ آن به منظور کنترل ذهن مخاطبان از راهکارهای زیادی بهره می‌جویند که یکی از مؤثرترین آن استفاده از استعاره‌هاست. استعاره‌ها با مقوله‌بندی دنیای اطراف و تبدیل مفاهیم انتزاعی به عینی، نظام مفهومی‌مان را شکل می‌دهند و بر ارزشگذاری‌ها و نهایتاً رفتارهایمان تأثیر می‌گذارند. بنابراین، استعاره ابزار بسیار قدرتمندی است که کنشگران اجتماعی با استفاده از آن و مشروعیت‌بخشی به گفتمان خود، مخاطبان خود را به سوگیری، ارزشگذاری مسائل گوناگون، آنگونه که خود می‌خواهند، سوق می‌دهند و کنترلشان می‌کنند.

در بستر تاریخ پژوهش‌های مربوط به استعاره تحولات بسیاری یافته است. درواقع، مطالعات استعاری از مطالعات بلاغی آغاز شد و کم‌کم در اوایل دهه هفتاد قرن بیستم میلادی مطالعات استعاره به حوزه شناخت‌گرایی راه یافت تا ساز و کار نظام مفهومی و تفکر را روشن سازد و پس از آن وارد حوزه مطالعاتی تحلیل گفتمان انتقادی شد و چنان جایگاه ویژه‌ای یافت که برخی زبان‌شناسان چون چارتریس بلک^۱ (2004) رویکردی به نام تحلیل استعاره انتقادی^۲ را به دنیای زبان‌شناسی معرفی کردند.

هدف پژوهش حاضر مطالعه استعاره‌ها به‌طور میان‌رشته‌ای و از منظری شناختی - انتقادی است. این پژوهش با اتخاذ رویکرد پیکره‌ای و با بررسی ۶۰۰ مقاله روزنامه‌های دو گفتمان غالب اصولگرا و اصلاح‌طلب در موقعیت پادقدرت و قدرت و استخراج و تحلیل استعاره‌های آنان، سعی دارد بررسی کند چگونه روابط قدرت بر شکل‌گیری و تحولات ساخت‌های استعاری در تحولات گفتمانی تأثیر می‌گذارند و عواملی چون ایدئولوژی، روابط قدرت و مشروعیت‌بخشی در تولید، تثبیت و یا تضعیف گفتمان‌های پادقدرت و قدرت چه نقشی ایفا می‌کنند. روش انجام این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به شیوه پیکره‌ای است.

در این پژوهش دو فرضیه مورد نظر است. فرضیه اول اینکه استعاره‌های پادقدرت و قدرت با استفاده از ساز و کارهای متفاوت به‌وجود می‌آیند و در صورت مقبولیت توسط گفتمان رقیب

مصادره به مطلوب می شوند. فرضیه دوم این است که استعاره‌های قدرت و پادقدرت از نظر طرح‌واره‌ها متفاوت و متغیرند و در رقابت با هم، یکدیگر را تضعیف می‌کنند. پس از تحلیل داده‌ها این دو فرضیه تأیید شد.

۲. پیشینه پژوهش

ارسطو را می‌توان نخستین کسی دانست که در بوطیقا^۲ و ریطوریکا^۳ از استعاره نام می‌برد و آن را نوعی مقایسه ضمنی و تلویحی بر پایه قیاس می‌داند (گلفام، ۱۳۸۱: ۶۱). در قرون اول اسلام نیز مطالعاتی به منظور کشف مفاهیم قرآنی آغاز شد که آن را علوم بلاغی می‌نامند و یکی از موضوعات مهم آن بحث مجاز بود. ابو عبیده معمر بن مثنی، واضع علم بیان، در *مجاز القرآن* و پس از وی جاحظ در کتاب *البيان والتبيين* به مسئله استعاره اشاره کرده‌اند (دادبه و فرزانه، ۱۳۶۷: ۱۳/۲۴۵). سپس ابن وهب در کتاب *البرهان* برخی ویژگی‌های استعاره را نقد و تشریح کرد. در قرن چهارم هجری قمری استعاره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل علم بیان مورد توجه واقع شد و در قرن هفتم هجری سکاکی استعاره را از جهت منطق مورد بررسی قرار داد (همان: ۱۳/۲۴۷).

دور دوم مطالعه‌های استعاری به قرن هجدهم و نوزدهم، یعنی زمان شکوفایی نگرش رمانتیک^۴ و آرای ویکو باز می‌گردد. به عقیده او تمام واژگان زبان بر مبنای استعاره شکل گرفته است (صفوی، ۱۳۷۷: ۲۹۴). برادران شلگل^۵ در آلمان، استعاره را با مفهوم امروزی آن به کار بردند و آن را گواهی بر نقش تخیل در مفهوم‌سازی و استدلال نامیدند. از دهه هفتاد قرن بیستم، نظریه‌پردازان جدیدی چون لیکاف^۶ (۱۹۷۱) و جانسون^۸ (۱۹۸۱) به زبان‌شناسی شناختی پرداختند. چنین نگرشی به طرح‌واره‌ها و استعاره‌هایی که مفاهیم ذهنی‌مان را می‌سازند و نیز تحلیل‌گفتمان انتقادی که شکل امروزی آن با فرکلاف^۹ (۱۹۸۹) آغاز شده است، پژوهش‌ها و تحلیل‌های مختلفی در زبان‌شناسی را درباره روابط قدرت و سلطه آغاز کردند. زبان‌شناسانی چون ون دایک^{۱۰} (۱۹۸۸، ۱۹۹۳) نظریات زبان‌شناسی شناختی را به حوزه تحلیل گفتمان وارد کردند تا دریابند چگونه نهادهای قدرت و ایدئولوژی حاکم، با ارائه انگاره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی، آنان را از طریق روابط قدرت کنترل می‌کنند.

تحلیلگران انتقادی گفتمان می‌خواهند رابطه کنش‌های گفتمانی - زبانی را با ساخت‌های سیاسی - اجتماعی در سطح گسترده‌تر قدرت و حاکمیت به تصویر کشند (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۷). برای مثال، درباره رابطه استعاره و سیاست، ادلمن (۱۹۸۸) معتقد است که در هسته ارتباطات سیاسی، توانایی سیاستمداران در استفاده از استعاره‌ها و نمادها نهفته است چون می‌توانند تمایلات پوشیده و پنهان را در میان توده‌ها بیدار کنند.

لیکاف (۱۹۹۶) با اتخاذ رویکرد شناختی و مطالعه سخنرانی‌ها و متون دو حزب لیبرال و محافظه‌کار، نشان می‌دهد چگونه کاربردهای زبانی دو حزب، مدل‌های شناختی و نگرش‌های سیاسی‌شان را بازتاب می‌دهد. به عقیده او لیبرال‌ها و محافظه‌کاران دو مدل شناختی مجزا از اخلاقیات دارند. فرکلاف (۲۰۰۰) شواهد مطالعه خود را از میان پیکره‌ای از سخنرانی‌های حزب نوکارگر و کتاب *میان امید و تاریخ*^{۱۱} بیل کلینتون به‌دست آورد. به عقیده او استفاده از استعاره یکی از راهکارهای زبانی برای پنهان کردن روابط قدرت است. زینکن^{۱۲} (۲۰۰۳) به رابطه تنگاتنگ تجارب فرهنگی و استعاره‌های مفهومی می‌پردازد. وی با بررسی روزنامه‌های مختلف لهستان نشان می‌دهد چگونه روزنامه‌های گروه‌های مختلف با ایدئولوژی‌های متفاوت، استعاره‌های متفاوتی را به کار می‌برند تا بر ذهن خواننده تأثیر مطلوب بگذارند. شیلتون^{۱۳} (۲۰۰۵)، راش^{۱۴} (۲۰۰۶)، موسولف^{۱۵} (۲۰۰۷) ایدئولوژی نازی را با رویکردهای شناخت‌گرایانه مطالعه کرده‌اند تا به چگونگی مکانیزم کنترل تفکر توسط استعاره‌ها دست یابند.

ترچکوا^{۱۶} (۲۰۱۱) با اتخاذ نظریه مفهومی استعاره، نقش شناختی - اجتماعی استعاره‌های موجود در گفتمان روزنامه را بررسی می‌کند تا چند نقشی بودن زبان استعاری را آشکار سازد. بر اساس پژوهش او فاجعه‌های طبیعی به‌عنوان «حیوانات»، «هیولاها» و «جنگ» بازسازی می‌شوند. این استعاره‌ها ابزارهای مفهومی و ایدئولوژی هستند که واقعیت‌ها را ساده‌سازی می‌کنند و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پنهان می‌کنند و در مخاطب احساس تعلق و وابستگی اجتماعی را می‌آفرینند. تیمبودو و برودتیسکی^{۱۷} (۲۰۱۱) این فرضیه را تأیید کرده‌اند که مردم در حل مسائل دشوار از استعاره استفاده می‌کنند. آنان از شرکت‌کنندگان در تحقیقشان خواستند که درباره شهری که با مشکل جنایت روبه‌رو است، فکر و صحبت کنند. راه‌حل‌های شرکت‌کنندگان مطابق با استعاره‌هایی بود که به‌کار برده بودند. کسانی که در امر «جنایت» از

استعاره «حیوان وحشی» استفاده کردند، خواستار برخورد قهری بودند و کسانی که جنایت را «بیماری» نامیده بودند، راه حل‌های تشخیصی و درمانی مانند یافتن ریشه‌های جرم و توسعه اقتصادی داشتند. لاندو^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۳) عقیده دارند که روان‌شناسی اجتماعی شواهدی دال بر اهمیت نقش استعاره در روش فهم و پردازش موضوعات سیاسی - اجتماعی ارائه می‌دهند. مثلاً وقتی شنونده انگلیسی‌زبان در اخبار مربوط به جنگ افغانستان می‌شنود که «ارتش در افغانستان مبلغ اولیه را بالا برد»^{۱۹}، در ذهن او بین جنگ و بازی پوکر نوعی رابطه ایجاد می‌شود. درواقع، به او این‌گونه القا می‌شود که «جنگ نوعی بازی است» و مانند پوکر نیاز به شرط‌بندی دارد و این نوع نگاه به جنگ، نگرش بیننده را نسبت به دیگر جنبه‌های جنگ نیز شکل می‌دهد. مثلاً اینکه در بازی آن که نیرو و سرمایه بیشتری دارد، برنده است پس امریکا نیز برنده است. هامریتا^{۲۰} (۲۰۱۶) معتقد است گفتمان سیاسی و مذهبی از استعاره بسیار استفاده می‌کند تا مفاهیم ساده‌سازی و انتقالشان راحت شود. وی با اتخاذ رویکرد تحلیل گفتمان از یک سو و نظریه مفهومی استعاره از دیگر سو، استعاره‌های مورد استفاده در گفتمان یک سیاستمدار اسلام‌گرای تونس را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که شیوه به‌کارگیری استعاره در گفتمان سیاسی - مذهبی این سیاستمدار نشان‌دهنده چگونگی درکش از دشمنان لیبرال و سکولار خود است. گفتمان وی با قطبی‌سازی، سیاستمداران لیبرال را سیاستمداران شیطانی می‌خواند.

در ایران نیز پژوهش‌های مرتبطی انجام گرفته است. ولیدی (۱۳۸۹) با طرح دیدگاهی فوکویی - درپدایی نشان می‌دهد که قدرت سرشتی استعاری دارد و استعاره‌ها در ساز و کارهای قدرت دخالت دارند و ادبیات به‌عنوان حوزه‌ای غنی از استعاره نسبت به ساز و کارهای قدرت بی‌تفاوت نیست. رضاپور و آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) با استخراج استعاره‌های گفتمانی از روزنامه‌های *رسالت*، *کیهان*، *ایران*، *مردم‌سالاری* و *آفتاب یزد*، آن‌ها را در قالب رویکرد تحلیل گفتمان وندایک، شناختی لیکاف و کاربردشناختی کامرون بررسی کردند و نشان دادند که راهبردهای ایدئولوژیک استعاره نظام‌مند در گفتمان به شرح زیر است: قطبی‌سازی، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌ها، توصیف کنشگر، غیریت‌سازی، مثال، تشریح، گواه‌نمایی، خود بزرگ‌منشی ملی، اجماع، تکرار، تلویحات و واژگان‌گرایی. پژوهش شهری (۱۳۹۱) نشان می‌دهد چون استعاره در زبان رخ می‌دهد می‌تواند ابزاری مناسب در جهت شناخت ایدئولوژی باشد؛ یعنی انتخاب

استعاره‌های متفاوت در یک متن توسط کاربران زبان می‌تواند نشان‌دهندهٔ ایدئولوژی غالب کاربران باشد و در عین حال ایدئولوژی‌های متفاوت در جهت نهادینه کردن باورهای بنیادینشان می‌توانند استعاره‌های متفاوت تولید کنند و از الگوهای مفهومی خاصی جهت زبان استعاری استفاده کنند. مشیرزاده و همویی (۱۳۹۱) با اتخاذ «نظریهٔ ادراکی - شناختی» لیکاف و جانسون و روش تحلیل استعاره‌های اسنادی و با بررسی زبان مورد استفاده در سخنرانی‌ها و بیانیه‌های سیاستمداران و وزرای خارجهٔ بریتانیا در رابطه با همگرایی اتحادیهٔ اروپا، به تحلیل استعاره‌ها، نشانه‌ها، گزاره‌ها، نمادها و نظام‌های دلالت موجود در گفتمان پرداختند و فرایند برساخته شدن هویت بریتانیایی و اروپایی و نیز عرف همگانی این کشور نسبت به سیاست‌های اروپایی و پویایی‌های موجود در این گونه دریافت را تبیین کردند. زرگر (۱۳۹۳) کاربرد استعارهٔ امانت در مردم‌سالاری دینی توسط دولت را بررسی کرده و معتقد است که استعارهٔ امانت می‌تواند ظرایف دولت و قدرت در منظومهٔ اسلامی و مردم‌سالاری دینی را نشان دهد. گلشایی و همکاران (۱۳۹۳) نظریهٔ استعارهٔ مفهومی را در «بحث به‌مثابهٔ جنگ» با استفاده از روش پیکره‌بنیاد مورد ارزیابی قرار دادند. به عقیدهٔ آنان استعاره‌های زبانی متعارف نظام‌مندند و زبان استعاری جایگاهی فرعی نسبت به استعاره‌های مفهومی ذهنی دارد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با رجوع به ۶۰۰ مقاله از روزنامه‌های دوجناح (حیات نو، شرق، همبستگی، اعتماد ملی و اعتماد، کیهان و رسالت) در سه دورهٔ یک ماههٔ منجر به انتخابات و با استخراج و تحلیل استعاره‌های به‌کار رفته از سوی جناح‌های رقیب، با اتخاذ رویکردی شناختی - انتقادی، چگونگی شکل‌گیری استعاره‌ها در گفتمان‌های پاد قدرت و قدرت و نیز روند تقویت و تضعیف این استعاره‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات پیکره‌ای است. در پژوهش دو فرضیه در نظر گرفته شد. فرضیهٔ اول اینکه استعاره‌های پاد قدرت و قدرت با استفاده از ساز و کارهای متفاوت به‌وجود می‌آیند و در صورت مقبولیت توسط گفتمان رقیب مصادره به مطلوب می‌شوند. فرضیهٔ دوم این است که استعاره‌های قدرت و پاد قدرت از نظر طرح‌واره‌ها متفاوت و متغیرند و در رقابت با هم، یکدیگر را تضعیف می‌کنند.

۳-۱. تعریف مفهومی و عملیاتی فرضیه‌ها

۳-۱-۱. استعاره

گلفام (۱۳۸۱) استعاره را از نظر معناشناسان شناختی به هر گونه فهم و بیان مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیمی ملموس‌تر عنوان می‌کند. بر اساس نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره، درک و تجربه یک چیز بر اساس چیز دیگر است جانسون (۱۹۸۷) با الهام از زبان‌شناسی شناختی، بحث طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها را مطرح کرد که در خلال تجربیات فرد و تعاملش با محیط اطرافش درونی و مفهوم‌سازی می‌شوند. در اثر تکرار این حوادث مشابه، الگوهای شناختی ثابتی در ذهن شکل می‌گیرد که همان طرح‌واره‌هایی هستند که حوادث و اشیا و ... جهان اطراف را طبقه‌بندی و درونی می‌کنند. این طرح‌واره‌ها انتزاعی و قابل تعمیم به حوادث مشابه هستند. بنابراین، قالبی برای مفهوم‌سازی حوادث و روابط مشابهند. یکی از راه‌هایی که می‌توان روابط انتزاعی را در قالب‌های آشنای موجود گنجانده، استعاره‌سازی است که در واقع تبدیل مفاهیم انتزاعی به مفاهیم عینی بر اساس مشابهت است که در این پژوهش ساز و کارهای این مفهوم‌سازی و رابطه‌اش با عواملی چون ایدئولوژی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱-۲. ایدئولوژی

وداک^{۲۱} (۲۰۰۶) ایدئولوژی را عقیده‌ای شکل‌یافته در ذهن و زبان می‌داند که روابط قدرت را تعیین می‌کند. آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) در تعریف ایدئولوژی آن را بازنمون منتسب به نهادهای اجتماعی، بازتولید و تعبیر مناسبات اجتماعی قدرت و سلطه می‌داند. بدین گونه زبان در خدمت ایجاد و یا تثبیت روابط سلطه قرار می‌گیرد. در این پژوهش نیز ایدئولوژی با این تعریف و کارکرد مد نظر است و رابطه آن با ساخت و کاربرد استعاره‌ها بررسی شده است.

۳-۱-۲. قدرت و پادقدرت

ون دایک (۱۹۹۶) انتقادی‌ترین کارگفتار را بررسی مبحث قدرت و به طور ویژه قدرت اجتماعی گروه‌ها و نهادها می‌داند. وقتی می‌توان از قدرت یک گروه صحبت کرد که آن گروه بر رفتار و ذهن سایر افراد و گروه‌ها کنترل داشته باشد؛ اما چون هیچ قدرتی مطلق نیست، این کنترل هم

نسبی است. تا زمانی که این کنترل از حد به خصوصی بیشتر باشد قدرت گفتمانی و در نتیجه قدرت اجتماعی برای گروه مسلط محفوظ است. قدرت حوزه‌های چیزها و نیز حقیقت را برایمان تولید می‌کند و شخص و دانش او به وسیله روابط قدرت شکل می‌گیرند.

سعید (۱۹۹۴) به نقل از فوکو می‌نویسد که هیچ قدرتی را نمی‌توان یافت که در درون خود، مقاومت نیافریند. گفتمان پادقدرت از نظر نوع و چیستی، همان گفتمان قدرت است. تنها چون متعلق به گفتمان رقیب است و در تضاد و مقابله با آن، گفتمان پادقدرت نامیده می‌شود. به بیانی دیگر گفتمان پادقدرت گفتمان رقیبی است که آشکارا گفتمان قدرت را به چالش می‌کشد و تلاش دارد آن را به کنار نهد و خود گفتمان مسلط گردد.

در این پژوهش نقش روابط قدرت و پادقدرت به همراه نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری و انتخاب استعاره‌ها بررسی شده‌اند.

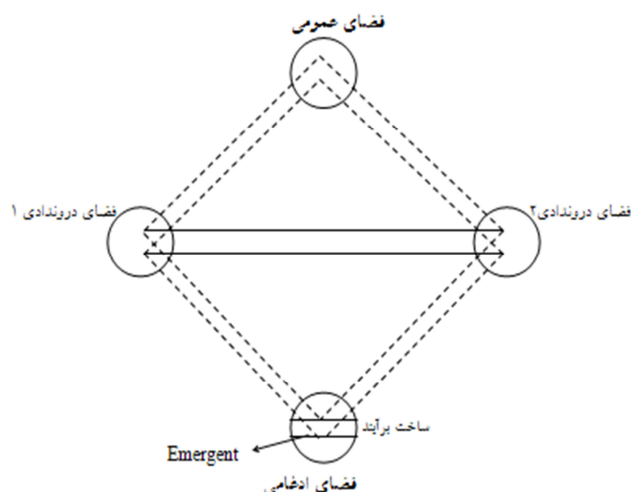
۴. چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش بر دو چارچوب نظری استوار است: یکی نظریه ادغام مفهومی هارت و لوکس (۲۰۰۷) برای نشان دادن چگونگی نگاشت‌ها و فرافکن‌ها در شکل‌گیری استعاره‌ها و دیگری تحلیل استعاره انتقادی چارتریس بلک (۲۰۰۴) برای رسیدن به تحلیلی همه‌جانبه در نظر گرفته شده‌اند.

۴-۱. نظریه ادغام مفهومی

بر اساس چارچوب‌های مطالعاتی رایج می‌توان از دو نوع مطالعات استعاره‌ی زبان‌شناختی یعنی نظریه استعاره مفهومی^{۲۲} و نظریه ادغام مفهومی^{۲۳} نام برد که این دومی را فوکونیه و ترنر^{۲۴} (۲۰۰۲) معرفی کرده‌اند. این دو نظریه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند. هر دو رویکرد استعاره را پدیده‌ای مفهومی می‌دانند و هر دو رویکرد فرافکن‌های نظام‌مند زبان، یعنی فرافکن‌های انگاره‌ای^{۲۵} و استنباطی^{۲۶} را شامل می‌شوند که جزو حوزه‌های مفهومی است. اما نظریه استعاره مفهومی (CMT) بین جفت‌های بازنمود ذهنی ارتباط ایجاد می‌کند؛ در حالی که نظریه ادغام مفهومی (BT) بیش از ۲ بازنمود را هم به یکدیگر مرتبط می‌کند و نیز CMT استعاره را پدیده‌ای کاملاً جهتی می‌داند، در حالی که BT چنین نیست. هارت و لوکس (۲۰۰۷: ۸) بر اساس

همین نظرات و چارچوب حاکم بر شکل ۱ را از ادغام مفهومی ارائه کرده‌اند:



شکل ۱: نمودار پایه‌ای ادغام مفهومی

Figure1: The basic diagram of conceptual blending

چنین نموداری در ظاهر ایستاست؛ ولی درواقع تصویری لحظه‌ای از فرایندی پیچیده و ذهنی است. ادغام از ۴ فضا نشئت می‌گیرد: دو فضای دروندادی، یک فضای عمومی و یک فضای ادغامی.

فضای عمومی: ساختی انتزاعی است که در عوامل و عناصر همتای فضاهای ۱ و ۲ مشترک است و عناصر موجود در آن خود را به عناصر همتای خویش در فضای درونداد، فراقکن می‌کند. **فضای ادغامی:** این فضا که ساختار خود را از فضای عمومی می‌گیرد، از طریق عملیات ادغام مفهومی به‌دست می‌آید. ساخت دو فضای ذهنی درونداد خود را به فضای ادغامی فراقکن می‌کند. این دو فضا به هم مربوط‌اند؛ ادغام‌ها شامل ساخت‌های عمومی است که در فضای عمومی فراهم می‌آیند.

ساخت برآیند^{۲۷}: بخشی از اطلاعات ساخت برآیند ناشی از فضاهای ادغامی است. فضاهای

ادغامی شامل ساختی است که مستقیماً از فضاهاى دروندادی نسخه‌برداری نمی‌شود؛ بلکه حاصل عملیات ادغام است.

۲-۴. رویکرد پیکره‌ای چارتریس بلک (۲۰۰۴)

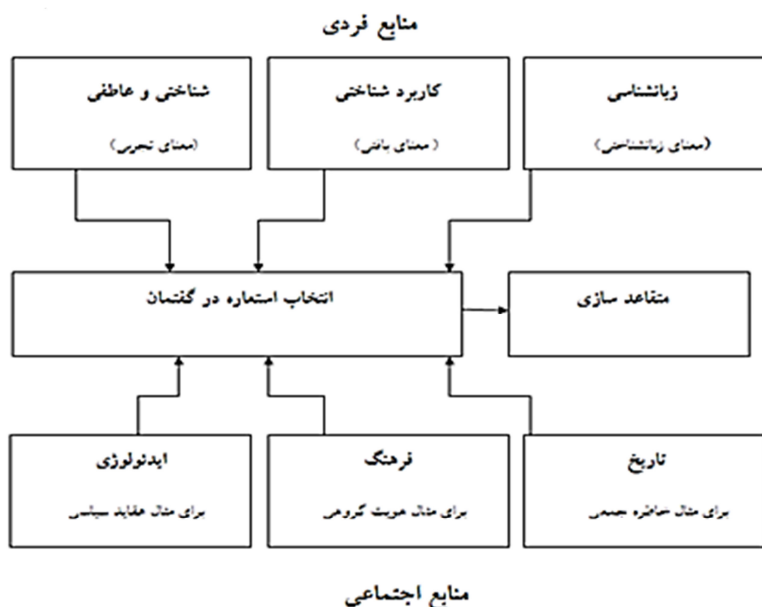
چارتریس بلک (8: 2004) در کتابش به نام *رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل استعاره انتقادی*^{۲۸} هدف خود از این نوع مطالعه شناختی - انتقادی را نشان دادن اهمیت استعاره‌ها و تأثیری که بر رشد ایدئولوژی در حوزه‌هایی مانند سیاست و مذهب دارند عنوان می‌کند. او برای استعاره معیارهایی زبان‌شناختی، شناختی و کاربردشناختی معرفی می‌کند.

الف) معیار زبان‌شناختی شامل عینیت‌بخشی^{۲۹}، تشخیص (جان‌بخشی)^{۳۰} و بی‌جان‌انگاری^{۳۱} است.

ب) معیار کاربردشناختی هدف زیرین و پنهان استفاده از استعاره‌ها را که همان نفوذ و ایجاد قضاوت‌های مطلوب در مخاطب با استفاده از متقاعدسازی است، تحلیل می‌کند.

ج) معیار شناختی نشان می‌دهد استعاره‌ها در عین حال که در نظام مفهومی و به وسیله آن به‌وجود می‌آیند، در آن تغییر نیز ایجاد می‌کنند.

وی درباره تحلیل استعاره انتقادی مدل ۲ را ارائه می‌دهد که تلفیقی از زبان‌شناسی پیکره‌ای، زبان‌شناسی شناختی و تحلیل گفتمان انتقادی است (Charteris-Black, 2004: 41). در چنین تحلیلی، استعاره تنها ناشی از تجربیات بدنی نیست؛ تجربیات ما همان اندازه که فیزیولوژیک‌اند به روابط اجتماعی نیز وابسته‌اند. دانش مفهومی‌مان به دو نوع اطلاعات وابسته است، دانش حاصل از تجربیات زیستی که فردی است و دانش حاصل از تجربیات اجتماعی. وی مهم‌ترین هدف استفاده و انتخاب استعاره را متقاعد کردن می‌داند (Ibid: 246-247).



شکل ۲: مدل گفتمانی استعاره چارتریس بلک (۲۰۰۴: ۲۴۸ - شکل ۲-۱۱)

Figure2: The discursual model of metaphor (Chrteris-black , 2004:248, Fig. 11-2)

صاحبان قدرت همچون سیاستمداران، اصحاب رسانه و متون مذهبی برای ارزشگذاری چیزها استعاره‌های خود را به دیگران تحمیل می‌کنند. در مدل چارتریس بلک نحوه نگاشت‌های مفهومی استعاره ناگفته مانده است. به همین دلیل برای پر کردن این خلأ از مدل هارت و لوکس^{۳۲} (2007) استفاده شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای به دست آوردن داده‌های لازم جهت انجام تحلیل توصیفی - تحلیلی، استعاره‌های موجود در دو گفتمان و نیز واژه‌ها و استعاره‌هایی که از گفتمانی به گفتمان دیگر راه یافته‌اند، در دوره‌های قدرت و پادقدرت دو گفتمان استخراج شد. همچنین، استعاره‌های پرکاربرد دو جناح در دو دوره

قدرت و پادقدرت استخراج و طبقه بندی شد که برخی از آن‌ها به قرار زیرند.

۵-۱. مقایسه برخی استعاره‌های پرکاربرد اصلاح‌طلبان در زمان قدرت و پادقدرت

جدول ۱: استعاره‌های پرکاربرد اصلاح‌طلبان در دوره‌های قدرت و پادقدرت

Table1: The common metaphors of Reformists during the power and counter-power periods

استعاره‌ها در زمان پادقدرت	استعاره‌ها در زمان قدرت
انتخابات جنگ است. انتخابات رقابت نابرابر است. انتخابات از نظر رقیب جنگ داخلی است.	انتخابات بازی رقابتی است. انتخابات میدان خردورزی است. انتخابات موج است.
جامعه زندان است. جامعه بیمار است.	جامعه بنا (ساختمان) است. جامعه قطار است.
قدرت وسوسه‌انگیز است. قدرت ویرانگر است.	قدرت سرمایه است. قدرت ثروت است.
مشکلات جامعه بیماری است.	مشکلات جامعه گره است.

۵-۲. مقایسه برخی استعاره‌های پرکاربرد محافظه‌کاران (اصولگرایان) در زمان قدرت و پادقدرت

جدول ۲: استعاره‌های پرکاربرد اصول‌گرایان در دوره‌های قدرت و پادقدرت

Table2: The common metaphors of Fundamentalists during the power and counter-power periods

استعاره‌ها در زمان قدرت	استعاره‌ها در زمان پادقدرت
انتخابات میزان است. انتخابات قدرت است.	انتخابات نمایش است. انتخابات جنگ است.
مجلس بازار است. مجلس ایستگاه اتوبوس است.	مجلس میدان جنگ است. مجلس سنگر دشمن است.

استعاره‌ها در زمان قدرت	استعاره‌ها در زمان پا قدرت
سیاست نمایش است. سیاست جنگ است.	سیاست جنگ است.
احزاب سم هستند. احزاب آتش هستند.	احزاب قارچ هستند. احزاب آفت هستند.
جامعه ظرف است.	جامعه بیمار است.
قدرت سرمایه است.	قدرت اسب سرکش است.
اصلاح‌طلبان بوقلمون هستند.	اصلاح‌طلبان ستون پنجم دشمن هستند.
اصلاحات وسیله نقلیه خراب است.	اصلاحات معرکه است.
مشکلات جامعه گردنه است.	مشکلات جامعه بیماری است.

۳-۵. بررسی آماری نتایج

پس از شمارش استعاره‌های استخراج‌شده از این ۶۰۰ مقاله نتایج زیر به‌دست آمد.

جدول ۳: تعداد استعاره‌های استخراج‌شده در دو گفتمان در هنگام قدرت و پادقدرت و مشروعیت‌زدایی از گفتمان رقیب

Table3: The number of extracted metaphors in two different discourses during power and counter power periods and delegitimizing of opponent discourse

۵۶۸	مشروعیت‌زدایی از رقیب	۱۰۱۲	تعداد استعاره‌های گفتمان اصول‌گرایان در زمان پاد قدرت
۴۸	مشروعیت‌زدایی از رقیب	۳۷۸	تعداد استعاره‌های اصلاح‌طلبان در زمان قدرت
۱۱۲	مشروعیت‌زدایی از رقیب	۳۹۴	تعداد استعاره‌های اصول‌گرایان در زمان قدرت
۲۸	مشروعیت‌زدایی از رقیب	۲۵۸	تعداد استعاره‌های اصلاح‌طلبان در زمان پادقدرت

بر طبق جدول ۳ یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان‌اصول‌گرایی از استعاره بسیار بیشتر

استفاده می‌کند و نیز بیشترین مشروعیت‌زدایی را به‌ویژه در وضعیت پاد قدرت با استفاده از این استعاره‌ها انجام داده است.

گفتمان اصلاح‌طلب در حالت پادقدرت کمترین مشروعیت‌زدایی را انجام داده است که شاید این مسئله به محدود شدن رسانه‌های وابسته به این جناح در زمان از دست دادن قدرت باز می‌گردد.

جدول ۴: تعداد مصادره به مطلوب واژه‌ها در دو گفتمان

Table4: The number of lexical borrowing of politically popular words from the opponent discourse

۶	تعداد واژه‌ها و استعاره‌های راه‌یافته به گفتمان اصلاح‌طلبان در زمان پادقدرت	۳۵	تعداد واژه‌ها و استعاره‌های راه‌یافته به گفتمان اصول‌گرایان در زمان پادقدرت
۰	تعداد واژه‌ها و استعاره‌های راه‌یافته به گفتمان اصلاح‌طلبان در زمان قدرت	۰	تعداد واژه‌ها و استعاره‌های راه‌یافته به گفتمان اصول‌گرایان در زمان قدرت

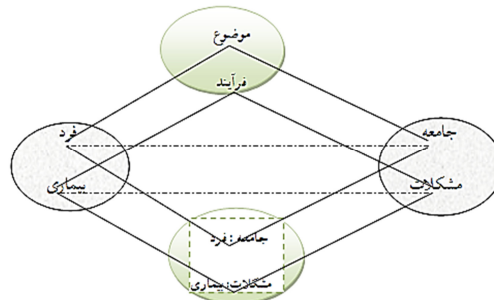
همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد مصادره به مطلوب واژه‌ها و استعاره‌ها در زمان پادقدرت اتفاق می‌افتد و میزان مصادره به مطلوب در جناح اصول‌گرا ۵/۸۳ برابر بیشتر است و این نشان می‌دهد که این جناح مشروعیت گفتمان اصلاحات را در اذهان مردم بیشتر می‌داند که از همان‌ها ولی با تعبیر خود استفاده می‌نماید تا خود را از نظر چیزهایی که مورد اقبال جمعی است چندان متفاوت نشان ندهد.

۴-۵. تحلیل استعاره‌های دو گفتمان بر اساس مدل هارت (۲۰۰۷) و چارتریس بلک (۲۰۰۴)

۴-۵-۱. نحوه نگاشت بر اساس مدل ادغام مفهومی

حال نوبت این است که تبیین کنیم مفاهیم گفتمان‌های قدرت و پادقدرت چگونه توسط استعاره‌ها در ذهن شکل می‌گیرند و چگونه به مفاهیم مشابه تعمیم می‌یابند. برای توضیح چگونگی نگاشت مفاهیم انتزاعی به عینی، از مدل شبکه ادغامی هارت و لوکس (۲۰۰۷) استفاده شده است. برای

مثال شکل ۳ نحوه نگاشت مفهومی استعاره «مشکلات جامعه بیماری است» را نشان می‌دهد که در گفتمان پادقدرت اصول‌گرایان بسیار استفاده شده است.



شکل ۳: نمودار ادغام مفهومی «مشکلات بیماری است» بر اساس مدل هارت و لوکس (2007)

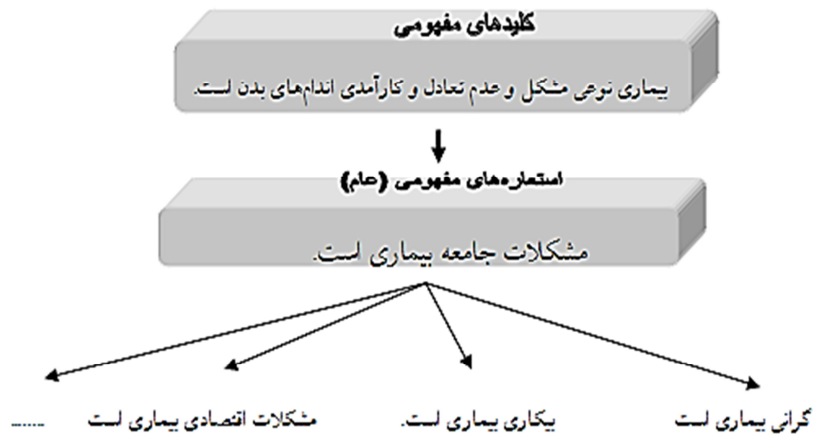
Figure 3: The conceptual blending diagram of problems as sicknesses according to (Hart and Lukeš, 2007)

در توضیح شکل 3 می‌توان چنین گفت که فضای درون‌داد ۱ شامل مفاهیم فرد و بیماری است و فضای درون‌داد ۲ شامل مفاهیم جامعه و مشکلات آن است.

ساخت برآیند حاصل در فضای ادغامی فرد را به جامعه و مشکلات را با بیماری مرتبط می‌سازد و در فضای ادغامی مشکلات جامعه در ذهن به صورت بیماری نگاشت می‌شود. بخش شناختی از منابع فردی که در مدل چارتریس بلک در شکل ۳ ارائه شده است، تأمین می‌شود. در عین حال برای انتخاب فضای درون‌داد ۲ و مربوط کردن آن به فضای درون‌داد ۱ باید فرد از منابع اجتماعی خود همچون ایدئولوژی فرهنگ و تاریخ نیز درباره فرد و بیماری استفاده کند تا این دو درون‌داد در فضای ادغامی استعاره‌ای را شکل دهند. از این به بعد گفتمان حاکم با به‌کار بردن رسانه و انواع راه‌های مشروعیت‌بخشی چون طبیعی‌سازی استعاره را بدیهی می‌کند و آن را به بخشی از باور جامعه تبدیل می‌کند. البته باید در نظر داشت که کاربرد استعاره و تکرار آن نیز به خودی خود یکی از راه‌های مشروعیت‌بخشی به گفتمان است.

اما نکته دیگر این جاست که چگونه انواع مشکلات جامعه همچون بیکاری، تورم، گرانی، مشکلات اقتصادی و ... با استفاده از این استعاره پوشش داده می‌شوند و این استعاره چه نقشی در مفهوم‌سازی و در نهایت در کنترل ذهن مخاطب دارد. چگونگی این مسئله در قالب شکل ۴ بر

اساس مدل چارتریس بلک (2004) به این صورت نشان داده می شود.



شکل ۴: نقشه مفهومی تبدیل «بیماری نوعی مشکل و عدم کارایی بدن است» به «گرانی و ... بیماری است»

Figure4: The conceptual map of changing “The sickness is a kind of physical problem” into “inflammation, etc. as a sickness”

۲-۴-۵. تحلیل استعاره مفهومی عام

مشکلات جامعه بیماری است، بنابراین:

جامعه فردی بیمار است و نیاز به پزشک حاذق و کاربلد دارد تا بتواند بیماری را درمان کند. پزشک ناکارآمد شاید بیماری را بدتر کند و گاهی بیمار را به کشتن بدهد. مشکلات برای بیمار (اعضای جامعه) درد و رنج به همراه دارند و اگر درمان نشوند فرد بیمار (جامعه) را زمین گیر می کنند و شاید از بین ببرند. بیماری را با روش های گوناگون و در نهایت جراحی و قطع عضو باید حل کرد؛ چنان که در برخورد با مشکلات باید گاهی برخورد قهری یا حذفی داشت. باید از بیماری پیشگیری کرد. بنابراین، مشکلات جامعه نیز قابل پیشگیری هستند. پس با به- کارگیری استعاره «مشکلات جامعه به مثابه بیماری» زنجیره ای از مفاهیم مرتبط در ذهن مخاطب

فعال می‌شوند و در صورت باورمندی آن را به کنترل خود درمی‌آورند.

این در حالی است که در همان زمان جناح اصلاح‌طلب در گفتمان قدرت خود از استعاره «مشکلات جامعه به‌مثابه «گره» استفاده می‌کرد.

تحلیل استعاره مفهومی عام «مشکلات جامعه گره است» را می‌توان بدین صورت در نظر گرفت: گره بازشدنی است، پس مشکلات قابل حل هستند.

برای باز کردن گره حوصله لازم است، پس باید برای رفع مشکلات جامعه صبر و حوصله به خرج داد.

برای باز کردن گره (مشکلات جامعه) به دقت و تیزبینی نیاز است. در صورت تشخیص روش غلط، ممکن است گره (مشکلات) به جای باز شدن محکم‌تر و یا حتی کور شود.

مثال دیگر استعاره‌های مربوط به انتخابات است. اصول‌گرایان چه در گفتمان قدرت چه پادقدرت «انتخابات جنگ است» را بسیار تکرار کرده‌اند؛ در حالی که در گفتمان قدرت اصلاح-طلبان، «انتخابات به‌مثابه بازی» و در گفتمان پادقدرتشان «انتخابات به‌مثابه بازی رقابتی نابرابر» به کار برده شده است. با تحلیل «انتخابات جنگ است» بر اساس مدل‌های هارت و لوکس (2007) و چارتریس بلک (2004) می‌توان به این نتایج دست یافت:

در بخش شناختی فردی فضای درون‌داد ۱ شامل مفاهیم مربوط به دشمن و جنگ است. فضای درون‌داد ۲ شامل مفاهیم مربوط به احزاب رقیب و انتخابات است. فضای ادغامی، احزاب رقیب را به‌صورت دشمن و انتخابات را به‌مثابه جنگ نگاشت می‌کند. همچنین مخاطب از منابع اجتماعی خود همچون ایدئولوژی، فرهنگ استفاده می‌کند تا دو درون‌داد ۱ و ۲ در فضای ادغامی، استعاره مطلوب را شکل دهند و استعاره ساخته‌شده مشروعیت یابد و به باور تبدیل شود. با شکل‌گیری این استعاره، زنجیره‌ای از تحلیل‌های دیگر منتج می‌شوند.

انتخابات جنگ است، بنابراین:

رقیب دشمن است. دشمن خطرناک و بی‌رحم است و در برابرش باید در درجه اول به هر شیوه‌ای از خود دفاع کرد یا به هر وسیله‌ای او را از میان برد.

برای پیروزی در جنگ باید تاکتیک، برنامه‌ریزی، سلاح و نیرو داشت.

کسانی که دشمن را انتخاب و از او حمایت می‌کنند غیرخودی و خائنند که باید از میان بروند یا در موضع انفعالی قرار بگیرند.

البته باید در نظر داشت که نحوهٔ مقابله و رودررویی با دشمن به پیشینهٔ تاریخی، ایدئولوژی و بسترهای فرهنگی، مرتبط است. برای مثال در گفتمان اصول‌گرایان، افراد جناح مقابل یاران معاویه و... نامیده می‌شوند که بار ایدئولوژیک این استعاره راهکار را نیز به مخاطبان نشان می‌دهد.

از دیگر سو گفتمان قدرت اصلاح‌طلبان «انتخابات را به‌مثابهٔ بازی رقابتی» می‌داند که پیامدهای مفهومی آن چنین است:

مسابقه و بازی قواعدی دارد که باید از سوی هر دو رقیب رعایت شود و رقیب ممکن است قواعد بازی را رعایت نکند. در این صورت نهادی باید برای جریمه‌های احتمالی تصمیم‌گیری کند. مسابقه نیاز به چینش، آرایش مهره‌ها و سازماندهی دارد.

در مسابقه امکان برد یا باخت وجود دارد. برای پیروزی باید هوشیار و مقتدر بود و بر اساس حرکات حریف واکنش مناسب نشان داد.

رقیب دشمن نیست پس حریف در مسابقه فقط از بازی حذف می‌شود نه از جامعه. مردم یا عضو تیم خودی هستند یا تیم رقیب یا ناظر و تماشاگر؛ پس حق دارند طرفدار هر کدام از دو یا چند رقیب باشند.

علاوه بر یافته‌ها و تحلیل‌ها بر اساس فرضیات پیشنهادی، این یافته‌ها به طور کلی همسو با نظر شیرینی (۱۳۹۱) در شرح میان پیوند استعاره و ایدئولوژی و نیز رضاپور و آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) در رابطه میان استعاره و ایدئولوژی است.

۶. نتیجه

در پی پاسخ به سؤالات پژوهش و بررسی فرضیه‌های پیشنهادی، پس از تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روزنامه‌های دو جناح در زمان قدرت و پادقدرت، از نظر آماری و نیز بردن داده‌ها در دو مدل هارت (۲۰۰۷) و چارتریس بلک (۲۰۰۴) که شرح آن در قسمت قبل آمد، فرضیه‌ها تأیید شدند که شرح آن در ادامه آمده است.

بررسی فرضیهٔ اول:

گفتمان‌هایی که دارای هژمونی هستند با استفاده از رسانه، در منابع فردی و به‌ویژه منابع اجتماعی ساخت استعاره دست می‌برند و با استفاده از دانش‌های فردی و اجتماعی افراد و با

انتخاب استعاره‌ها و شکل‌دهی مفاهیم در ذهن، با دادن اطلاعات دلخواهی که طبق گفتار گروه خودشان است، از لحاظ فردی گستره شناختی تجربی و معنای تجربی و حتی ایدئولوژی و فرهنگ افراد را دچار جرح و تعدیل می‌کنند. این گفتارها به گونه‌ای معنای مورد نظر خود را ایجاد می‌کنند و سپس از طریق عامل ایدئولوژی، فرهنگ و تاریخ دست به انتخاب و یا ساخت استعاره‌های متفاوت و جدیدتر می‌زنند. به این ترتیب، به گفتار خود مشروعیت می‌بخشند و از گفتار رقیب مشروعیت زدایی می‌کنند و این گونه فرایند متقاعدسازی اتفاق می‌افتد. رسانه با تکرار این استعاره‌ها و مفاهیم ذهنی وابسته به آن‌ها در قدم بعدی، باور ذهنی مخاطب را شکل می‌دهد. در صورتی که گفتار قدرت مشروعیت بهتری داشته باشد، گفتار پادقدرت از استعاره‌های گفتار رقیب استفاده می‌کند و آن را مصادره به مطلوب می‌نماید. طبق یافته‌های تحقیق جناح اصول‌گرا استعاره‌ها و واژه‌های بیشتری را به نفع خود مصادره کرده است.

بررسی فرضیه دوم:

چنانچه به تفصیل در بخش تحلیل داده‌ها نشان داده شد، طرح‌واره‌های استعاری این دو جناح از مفاهیم واحدی مانند دولت، انتخابات، قدرت و ... بسیار متفاوت است و در واقع به شدت همدیگر را تضعیف می‌کنند تا بتوانند از گفتار رقیب مشروعیت زدایی کنند و به گفتار خود مشروعیت بیشتری ببخشند و در نهایت ذهن مخاطب را آنگونه که خود می‌خواهند کنترل کنند. استعاره‌های پاد قدرت و استعاره‌های قدرت از نظر طرح‌واره‌ها متفاوت و متغیرند و در رقابت با هم، یکدیگر را تضعیف می‌کنند.

۷. پیشنهادات

بر اساس یافته‌های این پژوهش مشروعیت‌زدایی در جناح اصلاح‌طلب به‌ویژه در گفتار پادقدرتش بسیار کم است؛ ولی فرض پژوهشگر بر این است که دلیل آن محدودیت رسانه‌ای باشد. برای آزمون آن، پیشنهاد می‌شود که فضاهای مجازی از قبیل کانال‌های رسمی این گفتار که دارای آزادی بیشتری هستند، مورد بررسی قرار گیرد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Jonathan Charteris- black
2. critical metaphor analysis

3. poetics
4. rhetoric
5. romantic view
6. Schlegel
7. Lakoff
8. Johnson
9. Fairclough
10. Van Dijk
11. between hope and history
12. Zenken
13. Shilton
14. Rash
15. Musolff
16. Trčková
17. Thibodeau & Boroditsky
18. Landau
19. upped the ante
20. Hamrita
21. Wodak
22. conceptual metaphor theory (cmt)
23. conceptual blending theory(bt)
24. fauconnier & turner
25. imagery projection
26. inference
27. emergent
28. corpus approaches to critical metaphor analysis
29. reification
30. personification
31. depersonification
32. Hart & Lukeš

۹. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: انتشارات علمی- فرهنگی.
- ----- (۱۳۹۱). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی». *جستارهای زبانی*. د ۳، ش ۲ (۱۰). صص ۱-۱۹.
- دادبه، اصغر و بابک فرزانه (۱۳۶۷) *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱۳. صص ۲۴۵ - ۲۴۷. مدخل «علم بیان».

- رضاپور، ابراهیم و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۱). «نقش استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی». *زبان‌پژوهی*. س ۴. ش ۷. صص ۶۹-۹۴.
- زرگر، ابراهیم (۱۳۹۳). «دولت و استعاره امانت در مردم‌سالاری دینی». *مطالعات راهبردی*. ش ۶۴. صص ۷-۳۴.
- شیرینی، بهمن (۱۳۹۱). «پیوندهای میان استعاره و ایدئولوژی». *نقد ادبی*. د ۵. ش ۱۹. صص ۱۲۱-۱۵۰.
- صفوی، کورش (۱۳۷۷). *زبان‌شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح)*. تهران: نشر مرکز.
- گلشایی، رامین و همکاران (۱۳۹۳). «ارزیابی پیکره‌بنیاد مفروضات نظریه استعاره مفهومی: بررسی موردی استعاره «بحث به مثابه جنگ» در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۱ (پیاپی ۱۷). صص ۲۲۳-۲۴۴.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». *تازه‌های علوم شناختی*. س ۴. ش ۳. صص ۵۹-۶۴.
- مشیرزاده، حمیرا و فاطمه همویی (۱۳۹۱). «گفتمان سیاست اروپایی بریتانیا: تحلیلی استعاره‌ای». *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. د ۴. ش ۱۲. صص ۱-۳۹.
- ولیدی، شهرام و سهیل کیان (۱۳۸۹). «وابستگی متقابل قدرت و استعاره: رویکردی فوکویی-دریدایی». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. د ۳. ش ۵. صص ۱۰۵-۱۲۷.

References:

- Aghazadeh, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Elmi- Farhangi. [In Persian].
- ----- (2012). "Discription and explanation of ideological linguistic structure in discourse analysis". *Language Related Research*. 2(10). Pp 1-19.[In Persian].
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

- Chilton, P. (2005). "Manipulation, memes and metaphors: The case of *Mein Kampf*". In L.D. Saussure and Schulz, P. (Eds.). *Manipulation and Ideologies in the Twentieth Century*. Amsterdam: John Benjamins. Pp. 15-44.
- Dadbeh, A. & B. Farzaneh (1988). *the Great Islamic Encyclopedia*, Vol. 13. Pp 245-247, Entry: Rhetoric. [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fauconnier, G. & M. Turner (1996). "Blending as a central process of grammar". In E. Goldberg Adele (ed.). *Conceptual Structure, Discourse and Language*. Stanford, California: CSLI Publications. Pp. 113-130.
- Golfam, A. & F. Yousefi rad (2002). "Cognitive linguistics and metaphor". *Advances in Cognitive Science*. Vol. 4, No. 3. Pp. 59-64.[In Persian].
- Golshaiei, R. et. al. (2014). "The corpus- based assessment of the General metaphor theory Premises: The case study of argumentation as a war in Persian". *Language Related Research*. No. 17.Pp. 223-244.[In Persian].
- Hamrita, M. (2016). "The Metaphorical and Ideological Representation of the Political Opponent in the Hardline Islamist Discourse in Tunisia". *Journal of Research in Humanities and Social Science*, Volume 4 ~ Issue 6 (2016). Pp: 95-102.
- Hart, C. & D. Lukeš (2007). *Cognitive Linguistics in Critical Discourse Analysis: Application and Theory* Cambridge, UK: Cambridge Scholars Publishing.
- Johnson, M. (1981) *Philosophical Perspectives on Metaphor Minneapolis*: University of Minnesota Press.
- ----- (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*, University of Chicago Press.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: Chicago University Press.

- ----- (1971). *The role of deduction in grammar*. In C. J. Filmore and D. T. (eds.) *Studies in Linguistic Semantics*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Landau, M. J.; M. D. Robinson & B. P. Meier (2013). *The Power of Metaphor: Examining its Influence on Social Life*. Washington, D. C.: APA Press.
- Moshirzade, H. & F. Homaiei (2012). "The Discourse of the Britain European politics: Critical – Metaphorical". *The International Political Research*. Vol. 4, No. 12. Pp 1-39. [In Persian].
- Musolff, A. (2007). "Which role do metaphors play in racial prejudice? The function of anti-Semitic imagery in Hitler's 'Mein Kampf'". *Patterns of Prejudice* 41 (1). Pp. 21-44.
- Rash, F. (2006). *The Language of Violence. Adolf Hitler's Mein Kampf*. New York: Peter Lang.
- Rezapour, E. & F. Aghagolzadeh (2012). "The role of metaphor in foregrounding and marginalization of Ideology in domestic newspapers". *Journal of Language & Research* (Zabanpazhoochi). Vol 3, No. 7. Pp. 69-94.[In Persian].
- Safavi, K. (1998). *Linguistics and Literature: The History of Some Idioms*. Tehran: Nashr- e – Markaz. [In Persian].
- Said, E. (1994). "Michel Foucault", Barry Smart" (ed.), in: *Michel Foucault*, Vol. 2, and London: Routledge.
- Shiri, B. (2012). "The links between metaphor and ideology". *Literary Criticism*. No. 19. Pp. 121-150. [In Persian].
- Thibodeau, P. H. & L. Boroditsky (2011). "Metaphors we think with: The role of metaphor in reasoning". *Plos ONE*, 6(2): e16782.
- Trčková, D. (2011). "Multi-functionality of metaphor in newspaper discourse". *Brno Studies in English*. Vol. 37, No. 1.
- Validi, Sh. & S. Kian (2010). "The interdependence of power and metaphor: A Foucauldian-Drridian Approach". *Critical Language and Literary Studies*. Vol.3, No.5. Pp. 109-127 [In Persian].

- Van Dijk, T. A. (1993). "Principles of critical discourse analysis". In: *Discourse & Society*. 4(2). Pp. 249-283.
- ----- (1996). "Discourse, power and access. In Carmen Rosa Caldas-Coulthard and Malcolm Coulthard, (Eds.), " *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis*. London: Routledge. Pp. 84-104.
- ----- (1998). *Ideology: A Multidisciplinary Study*. London: Sage.
- ----- (2001). "Critical Discourse Analysis", In D. Tannen, D. Schiffrin & H. Hamilton (Eds.), *Handbook of Discourse Analysis*. (Pp. 352-371). Oxford: Blackwell.
- Wodak, R. (2006). "Mediation between discourse and society: Assessing cognitive approaches in CDA". *Discourse and Society*. 8(1). Pp. 179-190.
- Zargar, E. (2014). "The Government and the metaphor of honesty in religious democracy". *Strategic Studies*. No. 64. Pp 7-34 [In Persian].
- Zenken, J. (2003). "Ideological imagination: international and Co relational metaphors in political discourse". *Discourse Society*. Vol. 14, No. 4. Pp.507-523.